

مقدمه

خانواده به‌عنوان واحدی اجتماعی دارای بیشترین و عمیق‌ترین مناسبات انسانی است. علاوه بر اینکه، منبع اولیه نیازهای اساسی فرد محسوب می‌شود، موقعیت‌های متعددی را برای یادگیری و شکل‌گیری نگرش‌ها و تشکیل باورهای فرد فراهم می‌آورد. خانواده در کنار مسئولیت آموزشی و تربیتی، در رفع نیازهای جسمانی، روانی و انتقال ارزش‌های اجتماعی نقش بسیار مؤثری دارد. فرد در بستر خانواده خواست‌های جامعه را می‌آموزد و این شناخت او را به‌گزینه رفتارهای معین رهنمون می‌سازد (مصلحی، ۱۳۹۱، ص ۱).

از آنجایی‌که انتخاب همسر یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی است که در تشکیل خانواده و زندگی اجتماعی گرفته می‌شود، اهمیت مسئله ایجاب می‌کند که با کنکاش عمیق‌تری به عوامل بیرونی مانند مذهب، طبقه اجتماعی، سن، تحصیلات و... و نیز عوامل زیربنایی مانند ویژگی‌های شخصیتی توجه شود (همان).

متخصصان روان‌شناسی خانواده غالباً معیار خود را در بررسی کیفیت روابط زناشویی زوجین، سطح رضایت زناشویی آنها قرار می‌دهند. رضایت زناشویی، یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و دستیابی به اهداف زندگی است که تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی می‌باشد. علی‌رغم آنکه ضرورت توجه به همسانی عقاید مذهبی و تمایلات فرهنگی همواره مورد تأکید قرار می‌گیرد، افزایش طلاق در دنیای کنونی و نارضایتی زوجین از زندگی مشترک و تأثیرات سوء این‌گونه پدیده‌ها بر افراد خانواده و اجتماع، بیانگر این مدعاست که برخورد مقبولی با تشکیل خانواده و ازدواج نشده و کمتر با دید عالمانه به این پدیده نگرسته شده است (همان).

از آنجایی‌که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو پیش‌بینی می‌کنند. این جهت‌گیری منجر به این نگرش شده است که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد. مذهب و پایبندی به آن، به‌ویژه در جامعه اسلامی ما از موضوعاتی است که می‌تواند ذهن پژوهشگران را به این موضوع معطوف دارد که آیا رضامندی از زندگی زناشویی در سایه تعالیم الهی و پایبندی به آن چگونه است؟ و آیا پایبندی به مذهب می‌تواند تأثیری در سطح رضایت از زندگی زناشویی داشته باشد یا نه؟ (همان). از منظر دینی، رضامندی زناشویی حالتی است که در آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن، احساس طمأنینه و آرامش داشته باشند (روم: ۲۱).

نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین

جواد مصلحی* / محمدرضا احمدی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش پایبندی مذهبی زوجین به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در رضامندی زناشویی انجام شده است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی می‌باشد و به روش پس‌رویدادی انجام شده است. بدین‌منظور، ۱۱۶ زوج از دانشجویان دانشگاه بجنورد و دانش‌پژوهان مؤسسه امام خمینی^ع که حداقل یکسال از زندگی مشترک آنها گذشته بود، با استفاده از پرسش‌نامه‌های رضایت زناشویی اسلامی و پایبندی مذهبی مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که زوجین هر دو پایبند به مذهب، نسبت به زوجینی که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب بود، از رضامندی زناشویی بیشتری برخوردار بودند و آنها نیز از زوجین هر دو ناپایبند به مذهب بیشتر از زندگی زناشویی خود رضایت داشتند. بنابراین، می‌توان گفت: پایبندی به مذهب از عواملی است که در رضامندی زناشویی نقشی معنادار دارد.

کلیدواژه‌ها: رضایت زناشویی، پایبندی مذهبی، زندگی مذهبی، زوجین.

*javadmoslehi1@gmail.com

m.r.Ahmadi313@gmail.com

** کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی^ع

** استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع

دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۵

مهم‌ترین نکته در تبیین فلسفه ازدواج در قرآن، این است که خداوند آن هنگام که حکمت ازدواج و تشکیل خانواده را بیان می‌کند، به حکمت خلقت همسر و تشکیل خانواده، بقای نسل با فرزند صالح یا پیشگیری از فساد یا سازندگی اخلاقی و اجتماعی و یا توسعه ارزش‌های اسلامی اشاره نمی‌کند، بلکه به حکمتی اشاره دارد که بدون آن، هیچ‌یک از اهداف خلقت انسان، قابل تحقق نیست و آن آرامش روانی است. بدون آرامش روانی، نمی‌توان از جوان، انتظار تقوا داشت. بدون این آرامش، نه نسل سالم و صالح پدید می‌آید و نه سازندگی اخلاقی و اجتماعی اتفاق می‌افتد و نه ارزش‌های دینی و آرمان توحید، گسترش می‌یابد (پسندیده، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

برادبری، فینچام و بیچ (Bradbery, Fincham, & Beach, 2000, p. 967) ابراز می‌کنند کسی که در فکر ازدواج است و یا ازدواج می‌کند، انتظار دارد که این زندگی با خوشبختی، سعادت و رضایت همراه باشد و از تمام لحظات زندگی خود لذت ببرد. بنابراین، آنچه از خود ازدواج اهمیت بیشتری دارد، موفقیت در ازدواج یا به عبارتی دیگر رضامندی میان زوجین است (Ibid, p. 966).

ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است. خانواده با پیوند زناشویی شکل می‌گیرد و تداوم و بقای آن نیز به تداوم و بقای پیوند زناشویی وابسته است. علی‌رغم اینکه ازدواج رضایت‌بخش یکی از عوامل مهم بهداشت روانی جامعه محسوب می‌شود، ولی چنانچه ازدواج و زندگی خانوادگی شرایط نامساعدی برای ارضای نیازهای روانی زوجین ایجاد کند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه آثار منفی و گاهی جبران‌ناپذیری را به جای می‌گذارد، به‌طوری که اختلالات عصبی، افسردگی و خودکشی از پیامدهای اختلالات خانوادگی می‌باشند. به اعتقاد ویزمن، شلدون و گورینک بسیاری از اختلالات روان‌پزشکی از جمله اختلالات جسمانی، شناختی، رفتاری و استرس تحت تأثیر آشفتگی زناشویی به‌وجود می‌آیند (سلیمانیان و دیگران، ۱۳۸۴).

با توجه به پژوهش‌های ساینگتون، که نارضامندی زناشویی و طلاق موجب بروز اختلال‌های جسمانی و روانی زوجین می‌شود (ساینگتون، ۱۳۷۹، ص ۳۰۱)، همچنین پژوهش کریگه‌د و نمروف که این نارضامندی زناشویی می‌تواند موجبات بزهکاری فرزندان را فراهم آورد و در نهایت، از جانب خانواده‌های ناسالم، جامعه نیز آسیب خواهد دید (حیدری، ۱۳۸۲، ص ۷۷)، همه این امور انسان را به چاره‌جویی واداشته تا در پی جست‌وجوی مؤلفه‌های رضامندی زناشویی باشد.

در دهه ۹۰ میلادی، مطالعات علمی پیرامون رضایت زناشویی توجه زیادی را به خود جلب کرد. در مقایسه با یافته‌های علمی دهه‌های گذشته، در دهه ۹۰ حجم زیادی از مطالعات به جنبه‌های مختلف رضایت زناشویی اختصاص داشته است (Bradbery & Fincham & Beach, 2000, p. 967).

برای رضامندی زناشویی تعاریف متعددی شده است. وینچ بر این باور است که رضایت‌مندی زوجی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است؛ یعنی انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آنچه در زندگی خود تجربه می‌کند (فاضل و دیگران، ۱۳۹۰).

هاوکینز و وینچ (۱۹۷۴) بیان می‌کنند که رضایت زناشویی، یعنی احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه‌شده توسط زن یا شوهر، موقعی که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر می‌گیرند. رضایت زناشویی از انطباق بین وضعیتی که مورد انتظار است و وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی حاصل می‌شود، در واقع، نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (پورغفاری، ۱۳۸۹).

بئر و هیل (۱۹۹۰) رضامندی زناشویی را پیامد توافق زناشویی دانسته‌اند که رابطه مناسب بین زن و شوهر را توصیف می‌کند. آنها می‌نویسند: «هنگامی که زن و شوهر به میزان قابل توجهی از برآورده شدن نیازها و انتظاراتشان در رابطه زناشویی رضایت داشته باشند، رضامندی زناشویی را گزارش خواهند کرد» (جدیری، ۱۳۸۸). همچنین آلوجا، باریو و گارسیا (۲۰۰۷) می‌نویسند: «رضامندی زناشویی عبارت است از برونداد ناشی از مجموعه‌ای از عوامل مانند حل تعارض موفقیت‌آمیز، یا موفقیت در فعالیت‌های مرتبط با شادکامی در فرایند ازدواج» (همان).

هر موضوعی می‌تواند در روابط زوجین به موضوعی مشکل‌ساز و چالش‌زا تبدیل شود. بنابراین، ارائه فهرستی از موارد مشکل‌آفرین در بین زن و شوهر، نه ممکن و نه لازم است. هرچند، تلاش‌هایی وجود دارد که سعی کرده موضوعات تعارض‌زا در بین زوجین را شناسایی و دسته‌بندی کند. بنابراین، ابعاد و حوزه‌های سازگاری زناشویی به انحاء گوناگون بیان شده است. اولسون و اولسون (۱۹۹۷) و فاورز و السون (۱۹۹۳) با جمع‌بندی و تحلیل تمامی ابعاد مطرح‌شده به ابعاد «مسائل شخصیتی»، «ارتباط دوتایی»، «حل تعارض»، «مدیریت مالی»، «فعالیت اوقات فراغت»، «رابطه جنسی»، «فرزندپروری»، «ارتباط با اقوام و دوستان» و «جهت‌گیری مذهبی» دست یافته‌اند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۴).

موسوی بیان می‌کند عوامل اقتصادی، مذهبی، آداب و سنن اجتماعی، ارضای عاطفی، ارضای جنسی و تفاهم فکری می‌تواند رضامندی زناشویی را به ارمغان آورد (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۴۳). همچنان‌که *ادل* توافق در ارزش‌ها را با رضایت‌مندی زناشویی مرتبط می‌داند (Odell, 1998, p. 93).

ماهونی و همکاران (Mahoney & Others, 1999, p. 332) با تجزیه و تحلیل مشاهداتشان نشان دادند که جنبه‌های گوناگون عملکرد زناشویی شامل رضایت زناشویی، تعداد برخوردها و خشونت فیزیکی با فعالیت‌ها و اعتقادات مذهبی در ارتباط است، به این صورت که زوج‌های دارای اعتقادات مذهبی بالاتر، رضایت زناشویی بیشتری داشته و برخوردها و خشونت‌های آنان نسبت به هم کمتر است. به همین دلیل، درک ارزش‌های دینی درباره ازدواج برای سلامت رابطه زوجین اهمیت زیادی دارد (نظری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

هانلر و گنجوز نیز معتقدند نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد؛ زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌هاست که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند (خدایاری‌فرد و دیگران، ۱۳۸۶).

براساس آموزه‌های دینی، یکی از مهم‌ترین مسائلی که زمینه آرامش و رضایت از زندگی زناشویی را فراهم می‌سازد پابندی زوجین به دستورات مذهبی است. خوشبختی زناشویی زمانی تحقق می‌یابد که زن و شوهر ارتباط خوبی با مبدأ داشته و برای معاد خود نیز کار نیک انجام دهند و پایبند به احکام و دستورات الهی باشند، نه اینکه مسائل زندگی آن‌قدر آنها را سرگرم کند که از یاد خداوند غافل شوند (منافقون: ۹) و یا به خاطر، خانواده از رعایت وظایف دینی فاصله بگیرند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۶). وظیفه زن و شوهر است که همدیگر را از معصیت خداوند برحذر دارند که در این زمینه مرد مسئولیت بیشتری دارد (تحریم: ۶). پابندی یا عدم پابندی به دستورات الهی توسط آن دو، زمینه را برای رضامندی و یا نارضامندی زندگی زناشویی فراهم می‌آورد.

زندگی بدون تعارض، در سایه توجه به مسایل معنوی و پرورش اعتقادات مذهبی است. ارزش‌ها به زندگی معنا می‌بخشند و پناهگاهی در اوج بحرانی زندگی، همانند غم و اندوه و فقدان و ماتم، تلقی می‌شوند. اعتقادات مذهبی، زیربنایی برای شکل‌دهی به سبک زندگی مذهبی است. این مسئله موجب می‌گردد تا فرد مسلمان نسبت به پرورش معنویت در خود و نزدیکانش دارای مسئولیت و نقشی ویژه باشد. بر اساس آموزه‌های دینی، آن زندگی‌ای شیرین و گواراست که معنویت در آن رشد یابد و زندگی

رنگ خدایی به خود گیرد (خطیب، ۱۳۹۰، ص ۳۵). امام علی علیه السلام می‌فرمایند: خداوند متعال در حدیث معراج به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا می‌دانی کدام زندگی گوارتر است؟» حضرت فرمود: «بار خدایا! نه». فرمود: «زندگی گوارا، آن زندگی‌ای است که صاحب آن، از یاد من خسته نشود، نعمت مرا فراموش نکند، به حق من ناآگاه نباشد و در طلب خشنودی من باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۷، ص ۲۸).

مهوری در مقاله‌ای که به تبیین دین، دینداری و شاخص‌های آن از نگاه علامه طباطبایی می‌پردازد، درباره حد نصاب دینداری اظهار می‌دارد: دینداری، همان ایمان و اعتقاد قلبی همراه با اعمال شایسته و نیکوست و لازمه ایمان، علم و آگاهی است (سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۰). بنابراین، علم تنها بدون التزام و دلبستگی و اینکه عملی به دنبال داشته باشد، دینداری نیست. همچنین اعتقاد بدون عمل نیز دینداری نیست و شخص معتقدی را که عملی به جا نیاورد، نمی‌توان دیندار به‌شمار آورد، بلکه از نظر علامه طباطبائی، اعتقادی که همراه عمل نباشد، در حقیقت اعتقاد و ایمان نیست و تنها علم و آگاهی به حقانیت دین است. عمل تنها نیز ایمان و دینداری به‌شمار نمی‌آید؛ چراکه اعمال ظاهری با نفاق و دورویی قابل جمع است. منافق کسی است که اعمال ظاهری را انجام می‌دهد و چه‌بسا از حقانیت اعتقادات اسلام نیز آگاه بوده و حقیقت برایش روشن شده باشد، ولی از آنجاکه دلبستگی و التزام به آن ندارد، نمی‌توان او را دیندار به‌شمار آورد. خلاصه اینکه، با توجه به مراتب و درجاتی که برای اسلام و ایمان وجود دارد، نخستین مرتبه ایمان را باید حد نصاب دینداری برای فرد و جامعه به‌شمار آورد و آن اعتقاد اجمالی همراه با انجام بیشتر احکام اسلام است (همان، ص ۴۲۳).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

زن را برای زیبایی‌اش به همسری نگیر، چه‌بسا ممکن است جمال زن باعث پستی و سقوط اخلاقی‌اش شود. همچنین به انگیزه مالش با وی پیوند زناشویی برقرار مکن؛ زیرا مال می‌تواند مایه طغیان او گردد، بلکه به سرمایه دینش توجه باش و با زن با ایمان ازدواج کن (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۸۵).

در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی که از اخلاق و دین او راضی هستی نزد شما آمد، به او همسر دهید. اگر چنین نکنید روی زمین فتنه و فساد بزرگی به وقوع خواهد پیوست» (صابری یزدی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۱). در قرآن کریم نیز آمده است که مرد مؤمن با زن مؤمن ازدواج کند (بقره: ۲۲۱). نتایج تحقیقات نیز یکسان بودن زوجین در اعتقادات مذهبی و ایمان و تقوی را به‌عنوان عوامل مؤثر در موفقیت ازدواج‌ها ثابت کرده‌اند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۵).

توجه به این مفاهیم و ملاحظه نتایج پژوهش‌های انجام‌شده، نقش تقیدات مذهبی را در رضایت و سازگاری زناشویی مورد تأیید قرار می‌دهد؛ تقیداتی که در این پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: اقامه نماز، روزه، تلاوت قرآن، اهتمام به نماز، شرکت در نماز جماعت و جمعه، انجام امر به معروف و نهی از منکر، انجام واجبات دینی از روی علاقه، نوع پوشش، گرایش به مد روز، رعایت حد در پوشش، ارتباط با نامحرم، توجه به مادیات، اعتقاد به پول به‌عنوان حلال همه مشکلات، اعتماد به مذهب به‌عنوان کلید خوشبختی، میزان توکل به خدا برای حل مشکلات زندگی. بی‌تردید انسان‌های خدانشناس و دین‌باور و کسانی که از احکام و شریعت اسلام پیروی می‌کنند، ملاک تدین را به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی در انتخاب برای ازدواج مورد توجه قرار می‌دهند؛ پوشش، حجاب و نگاه خود را محافظت می‌کنند (سه عاملی که زمینه انحرافات اخلاقی هستند)؛ همسر خود را به‌عنوان بنده خدا قبول داشته و از ظلم و ستم بر او پرهیز می‌کنند. در روابط خود با همسر، ضمن رعایت اصول بهداشتی با صداقت، عطوفت و مهربانی رفتار می‌کنند و تمام رفتار و کردارشان حتی روابط جنسی با همسر جهت‌گیری الهی دارد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که رضایت زناشویی متأثر از میزان تقیدات مذهبی افراد باشد. از این رو، احمدی و همکاران در پژوهشی نشان دادند که تقیدات مذهبی در میزان سازگاری زناشویی نقش دارد. نتایج این پژوهش نشان داد افرادی که دارای تقیدات مذهبی بسیار زیاد بودند نسبت به افرادی که تقیدات مذهبی‌شان زیاد بود به‌طور معنی‌داری سازگاری زناشویی بیشتری داشتند. افرادی که دارای تقیدات مذهبی زیاد بودند، نسبت به افرادی که تقیدات مذهبی آنها متوسط بود، به‌طور معنی‌داری از سازگاری زناشویی بیشتری برخوردار بودند. به همین ترتیب، افرادی که دارای تقیدات مذهبی متوسط بودند، نسبت به آنهايي که تقیدات مذهبی کم داشتند، سازگاری زناشویی بالایی داشتند. بر این اساس، می‌توان میزان پایبندی مذهبی و رشد معنوی افراد را به‌عنوان عامل مهم در میزان سازگاری و رضایت زناشویی معرفی کرد (همان).

همچنین جریگان و ناک پس از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که دین بهترین عامل ثبات و پایداری در ازدواج و زندگی زناشویی است (روحانی و معنوی پور، ۱۳۸۷). گرانر اثر عمل به باورهای دینی و عبادی بر سازگاری زندگی زناشویی را در دو نمونه متشکل از ۲۰۸ زوج، که به‌طور مساوی از چهار گروه دینی انتخاب شده بودند، بررسی کرد. نتایج تحقیق وی نشان داد، ارتباط مثبتی بین اعمال دینی و سازگاری در تمامی گروه‌های دینی وجود دارد (Gruner, 1985, p. 54). مولینز و همکاران طی پژوهشی به بررسی رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی و شادکامی پرداختند

(Mullins, et al, 2001, p. 68). نتایج نشان داد که دینداری به‌گونه‌ای معنادار با سازگاری زناشویی و شادکامی همسران بستگی دارد. ماهونی و دیگران بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که عمل به باورهای دینی موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده و در نهایت، سبب فزونی رضایت‌مندی زناشویی گردیده است (Mahoney & Others, 1999, p. 332). کیم و دیگران به این نتیجه دست یافتند که عمل به باورهای دینی، با هیجانان و عواطف مثبت مانند خوش‌خُلُقی، شادکامی، مهربانی، اعتماد به نفس، توجه و آرامش رابطه مثبت دارد (Kim & Others, 2004, p. 868). مک‌نلتی و دیگران نشان دادند که دین تأثیر قابل‌توجهی در سازگاری دارد و از آن می‌توان در کارهای بالینی و مشاوره‌ای نیز استفاده کرد (Mculty & Others, 2004, p. 97).

با توجه به اینکه مذهب و سبک زندگی مذهبی یکی از عوامل مهم در رضامندی زناشویی به‌شمار می‌رود، کمبود پژوهش‌هایی در این زمینه، که زوجین را با هم و در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار دهند، ما را بر آن داشت تا نقش سبک زندگی مذهبی در کسب رضامندی از زندگی زناشویی میان زوجین را مورد مطالعه قرار دهیم.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع پژوهش‌های توصیفی به شیوه همبستگی است که به روش پس‌رویدادی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان متأهل دانشگاه بجنورد و دانش‌پژوهان متأهل مقاطع تحصیلات تکمیلی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع) قم، در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، که حداقل یک سال از ازدواج آنها گذشته است، تشکیل می‌دهند.

چنان‌که لیندمن، مرندا و گلد بیان کرده‌اند، برای پژوهش‌های همبستگی، ۱۰۰ نمونه کفایت می‌کند (هومن، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹؛ هومن، ۱۳۸۵، ص ۶۸). روش نمونه‌گیری این پژوهش، از نوع نمونه‌گیری در دسترس بود. در این پژوهش، از تمام دانشجویان متأهل در دانشگاه بجنورد برای همکاری دعوت شد و تعداد ۳۰۰ پرسش‌نامه توزیع گردید که تعداد ۱۴۰ نفر، یعنی ۷۰ زوج پرسش‌نامه‌ها را به‌صورت کامل برگرداندند. در مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ع) نیز تعداد ۲۰۰ پرسش‌نامه میان ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زوج) بین دانش‌پژوهان متأهل توزیع گردید که در نهایت، تعداد ۹۲ نفر یعنی ۴۶ زوج پرسش‌نامه‌ها را به‌صورت کامل تکمیل کردند. سرانجام، اطلاعات حاصل از ۱۱۶ زوج، یعنی ۲۳۲ نفر، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش؛ پژوهش حاضر از دو آزمون رضامندی زناشویی اسلامی و آزمون پایبندی مذهبی استفاده شده است.

الف. آزمون رضامندی زناشویی؛ این آزمون دارای ۱۰ مؤلفه و ۵۰ سؤال می‌باشد که سهم هریک از مؤلفه‌ها ۵ سؤال می‌باشد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: صفات شخصیتی، ارتباط کلامی، حل اختلاف و تعارض، پایبندی‌های مذهبی زوجین، روابط جنسی، مدیریت مالی و اقتصادی، تفریح و اوقات فراغت خانواده، رفت و آمدهای فامیلی، تولید فرزند و فرزندپروری و نقش زن و شوهری (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳).

اعتبار این پرسش‌نامه از طریق دونیمه‌سازی و ثبات درونی (آلفای کرونباخ) مورد بررسی قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۷ بیان شده است. ضرایب اسپیرمن براون در صورت تساوی و عدم تساوی گویه‌ها ۰/۸۱۶ و با استفاده از ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۱۵ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که پرسش‌نامه از اعتبار نسبتاً بالایی برخوردار است (همان، ص ۱۶۱).

برای بررسی روایی این آزمون نیز از دو روش روایی محتوایی و روایی وابسته به ملاک از نوع همزمان نسبت به برآورد روایی استفاده شده است. روایی محتوایی آزمون با استفاده از روش همبستگی اسپیرمن در حدود ۰/۹۰ به دست آمده است که در سطح ($p < /0.001$) معنی‌دار است. همچنین روایی وابسته به ملاک از نوع همزمان نیز با استفاده از تست معادل به دست آمده است. برای بررسی این نوع روایی، ضریب همبستگی میان نمره کل آزمون مذکور با نمره کل پرسش‌نامه رضامندی زناشویی انریچ محاسبه شد که ضریب همبستگی ۰/۷۲۶ در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که پرسش‌نامه از روایی نسبتاً بالایی برخوردار است (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲).

این پرسش‌نامه دارای دو نسخه ویژه خانم‌ها و آقایان است که در ۵ سؤال مربوط به نقش زن و مرد با یکدیگر تفاوت دارند. نمره‌گذاری سؤال‌ها به صورت (۴، ۳، ۲، ۱ و ۰) است. حداکثر نمره آزمودنی در این پرسش‌نامه، برابر با ۲۰۰ است. نمره بالاتر، نشانه رضامندی بیشتر زناشویی است. پاسخ‌نامه به صورت یک برگ جدا در اختیار آزمودنی قرار می‌گیرد.

ب. آزمون پایبندی مذهبی؛ آزمون پایبندی مذهبی بر اساس قرآن کریم و **نهج البلاغه** و به منظور سنجش رفتارهای مذهبی توسط جان‌بزرگی ساخته شده است (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). با استفاده از روش تحلیل عاملی مشخص گردید که آزمون از همسانی درونی مطلوبی برخوردار بوده و پایایی کل آزمون (آلفای کرونباخ) برابر ۰/۸۱۶ می‌باشد. برای بررسی روایی محتوا، همه گویه‌هایی که میزان مربوط بودن آنها از نظر دو نفر از داوران تأیید نشده بود و یا نمره نهایی آن پس از محاسبه نظر داوران، کمتر از ۷۵ درصد

بود، ابتدا حذف گردید. سپس با تقلیل متناوب گویه‌ها، فرم نهایی با ۶۰ سؤال مورد تجزیه و تحلیل عاملی قرار گرفت. برای روایی سازه، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل اکتشافی قرار گرفت. و کفایت گروه نمونه با آزمون کیسیر، مایر و الکین بررسی شد و عدد ۰/۸۹۷ درصد به دست آمد (همان).

این مقیاس دارای ۶۰ سوال است که همانند تست جهت‌گیری مذهبی آلپورت، در یک طیف لیکرت چهار درجه‌ای قرار دارند.

نمره‌گذاری این آزمون بر اساس مقیاس لیکرتی به صورت «کاملاً موافق=۲»، «تقریباً موافق=۱»، «تقریباً مخالف=۰» و «کاملاً مخالف=۳» می‌باشد. این آزمون ۴ درجه‌ای و بدون گزینه «حد وسط» می‌باشد؛ زیرا این شیوه پاسخ‌دهی از انباشته شدن نمره‌ها در حد وسط جلوگیری می‌نماید. نمره کلی پایبندی مذهبی، با جمع همه‌نمرات ۶۰ سؤال به دست آورده می‌شود. در نهایت، برای تقسیم آزمودنی‌ها به دو گروه «پایبند به مذهب» و غیر آن، میانگین گروه نمونه را به دست آوردیم که افراد بالای میانگین به‌عنوان پایبند به مذهب و افراد زیر میانگین به‌عنوان ناپایبند به مذهب محسوب شدند. لازم به یادآوری است که در این پژوهش، نمره میانگین گروه نمونه، حدود ۵۵ درصد حداکثر نمره کل برآورد شده است.

یافته‌های پژوهش

فرضیه این پژوهش عبارت است از «میان پایبندی مذهبی و سطح رضایت زناشویی، رابطه معنادار مثبت وجود دارد.»

در جدول (۱)، شاخص‌های توصیفی رضایت زناشویی بر اساس پایبندی مذهبی زوجین ارائه شده است. به دلیل اینکه، هدف پژوهش بررسی وضعیت زوجین می‌باشد، لازم بود که زوجین را از لحاظ پایبندی مذهبی به سه دسته تقسیم کنیم: اول زوجینی که هر دوی آنها پایبند به مذهب بودند؛ زوجینی که هر دوی آنها به مذهب پایبند نیستند و دسته سوم زوجینی که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب و دیگری پایبندی به مذهب نداشت.

در این جدول مشاهده می‌شود که فراوانی دسته اول، یعنی زوجین هر دو پایبند ۴۱ است که میانگین نمره رضامندی زناشویی در آنها برابر با ۱۴۹/۵۹ است. حداقل نمره کسب شده رضامندی زناشویی در این گروه، ۱۲۸ و حداکثر آن ۱۷۴/۵ بود. در حالی‌که، در دسته دوم یعنی زوجین هر دو ناپایبند، که دارای فراوانی ۴۷ زوج است، میانگین نمره رضامندی زناشویی در آنها برابر با ۱۳۴/۶۷ و حداقل نمره ۹۸/۵ و حداکثر نمره ۱۵۷ بود. همچنین در دسته سوم، یعنی دسته‌ای که یکی از زوجین

رضامندی زناشویی زوجینی که هر دو پایبند به مذهب هستند، از رضامندی زوجینی که هر دو ناپایبند به مذهب هستند، بیشتر می‌باشد.

همچنین میان زوجینی که هر دو ناپایبند به مذهب هستند، با زوجینی که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب است، چون ($P < ۰/۰۵$) است نیز تفاوت معنادار وجود دارد. در این حالت، رضامندی زناشویی زوجینی که هر دو ناپایبند به مذهب هستند، از رضامندی زوجینی که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب هستند، کمتر خواهد بود.

اما میان زوجینی که هر دو پایبند به مذهب هستند، و زوجینی که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب است، چون ($P < ۰/۰۵$) است، تفاوت معناداری نمی‌توان پیدا کرد. هرچند که میانگین رضامندی زناشویی زوجین هر دو پایبند به مذهب، بیشتر از زوجینی است که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که میان پایبندی مذهبی و سطح رضایت زناشویی، رابطه معنادار مثبت وجود دارد. می‌توان همسویی این پژوهش را با مطالعات گذشته به روشنی دریافت؛ چرا که همانند آنها در این تحقیق نیز زوجین هر دو پایبند به مذهب، از زوجینی که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب بود، از رضامندی زناشویی بیشتری برخوردار بودند و آنها نیز از زوجین هر دو ناپایبند به مذهب بیشتر از زندگی زناشویی خود رضایت داشتند. به‌عنوان نمونه در سطح مطالعات داخلی نتایج پژوهش نجفی نشان می‌دهد ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و مسائل مذهبی و عقیدتی در اغلب جوامع، به‌ویژه جوامع سنتی، یکی از عوامل مؤثر بر رضایت و ناراضی‌تی زناشویی است (نجفی، ۱۳۸۹، ص ۱۱). یا در سطح مطالعات خارجی ناکونزنی، شول و راجرز، فاکس و کلی و برن اظهار می‌دارند که اعتقادهای مذهبی، یکی از عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی است که پیش از ازدواج شکل می‌گیرد. آنها در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که افزایش فعالیت‌های مذهبی اگر چه روابط زناشویی را بهبود نمی‌بخشد و بر میزان شادی زندگی زناشویی، بهبودی تعامل میان زوجین، کاهش تعارض‌ها و مشکلات روزمره تأثیر نمی‌گذارد، اما می‌تواند با افزایش تعهد اخلاقی، احتمال توجه به طلاق را کاهش دهد (صیادپور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹).

بنابراین، می‌توان گفت پایبندی به مذهب از عواملی است که در رضامندی زناشویی نقشی معنادار دارد. این مطلب براساس آموزه‌های دینی نیز تأیید می‌شود، چرا که زندگی زمانی شیرین و آرامش‌بخش

پایبند به مذهب و دیگری پایبند نبود، میانگین نمره رضایت زناشویی برابر با ۱۴۵/۰۸ و حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱۱۶/۵ و ۱۷۴/۵ بود.

جدول (۱): توصیف شاخص‌های رضایت زناشویی بر اساس پایبندی مذهبی زوجین

پایبندی مذهبی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین		کمینه	بیشینه
					کراه بالا	کراه بالا		
هر دو پایبند	۴۱	۱۴۹.۵۹۷	۱۳.۰۴۹۹۲	۱.۹۰۳۵۳	۱۴۵.۷۴۱	۱۵۳.۴۲۷۳	۱۲۸.۰۰	۱۷۴.۵۰
هر دو ناپایبند	۴۷	۱۳۴.۶۷۰۷	۱۳.۸۳۷۷۲	۲.۱۶۱۰۹	۱۳۰.۳۰۳۰	۱۳۹.۰۳۸۵	۹۸.۵۰	۱۵۷.۰۰
یکی پایبند و دیگری ناپایبند	۲۸	۱۴۵.۰۸۹۳	۱۵.۲۳۴۶۲	۲.۸۷۹۰۷	۱۳۹.۱۸۱۹	۱۵۰.۹۹۶۷	۱۱۶.۵۰	۱۷۴.۵۰
کل	۱۱۶	۱۴۳.۲۳۲۸	۱۴.۲۵۵۷۱	۱.۴۱۶۴۶	۱۴۰.۴۲۷۰	۱۴۶.۰۳۸۵	۹۸.۵۰	۱۷۴.۵۰

به منظور بررسی میزان تفاوت همانندی پایبندی مذهبی در سطح رضایت زناشویی، از تحلیل واریانس یک‌طرفه میان آزمودنی‌ها استفاده شد. میانگین نمرات رضامندی زناشویی سه گروه مختلف زوجین، از نظر پایبندی مذهبی، که در جدول (۱) آمده است، با هم مقایسه شدند که نتایج آن در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول (۲): نتایج تحلیل واریانس میان پایبندی مذهبی و رضایت زناشویی

بین گروه‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
درون گروه‌ها	۵۰۵۰.۶۵	۲	۲۵۰۲.۳۲	۱۲.۹۹۶	۰۰۰.
کل	۲۱۷۵۹.۶۵۱	۱۱۳	۱۹۲.۵۶۳		
	۳۱۷۶۴.۷۱۶	۱۱۵			

داده‌های این جدول نشان می‌دهد که رابطه متغیرها ($P < ۰/۰۵$) است، بنابراین، تفاوت میان گروه‌های پایبندی مذهبی در رضامندی زناشویی با درجه آزادی ۲ و ۱۱۳ معنادار خواهد بود. پس می‌توان نتیجه گرفت: میان پایبندی مذهبی و رضامندی زناشویی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

در جدول (۳) نشان داده شده است که تفاوت کدام گروه با دیگری معنادار است.

جدول ۳: نتایج مقایسه چندگانه آزمون پس از واقعه میان سطوح پایبندی مذهبی و رضایت زناشویی

متغیر وابسته	پایبندی زوجین (ب)	پایبندی زوجین (ج)	تفاوت میانگین (ج-ب)	خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					کراه پایین	کراه بالا
رضامندی زناشویی	هر دو پایبند	هر دو ناپایبند	۱۴.۹۲۵۰ (*)	۲.۹۶۵۳۳	۷.۵۶۹۱-	۲۲.۲۸۰۹
		یکی پایبند و دیگری ناپایبند	۴.۵۰۶۵	۳.۳۱۲۷۶	۳.۷۱۱-	۱۲.۷۳۳۹
		هر دو پایبند	۱۴.۹۲۵۰ (*)	۲.۹۶۵۳۳	۲۲.۲۸۰۹-	۷.۵۶۹۱-
رضامندی زناشویی	هر دو ناپایبند	یکی پایبند و دیگری ناپایبند	۱۰.۴۱۸۶ (*)	۳.۴۰۲۰۵	۱۸.۸۵۷۵-	۱.۹۷۹۶-
		هر دو پایبند	۴.۵۰۶۵	۳.۳۱۲۷۶	۳.۷۱۱-	۱۲.۷۳۳۹
		هر دو ناپایبند	۱۰.۴۱۸۶ (*)	۳.۴۰۲۰۵	۱۸.۸۵۷۵-	۱.۹۷۹۶-

(*) معنادار بودن همبستگی در سطح ۰/۰۵

براساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۳، میان زوجینی که هر دو پایبند به مذهب و زوجینی که هر دو ناپایبند به مذهب هستند، تفاوت معناداری وجود دارد؛ زیرا ($P < ۰/۰۵$) است. در این حالت

است که فرد از خداوند و یادش غافل نبوده و نعمت‌هایش را فراموش نکند و همواره در طلب رضای الهی باشد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ص ۲۸)، در چنین زندگی‌هایی خداوند به سبب عمل صالح زن و شوهر، آنها را با حیات طیب زنده می‌کند (نحل: ۹۷). زن و شوهری که خواستار روابطی خوب و پرعاطفه بین خود هستند، باید روابط خود را با خداوند اصلاح کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۰۷). اگر چنین کنند خداوند نیز روابط آنها را اصلاح می‌کند؛ هرچقدر که زن و شوهر خود را با طاعت خداوند بیشتر زینت ببخشند (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۲)، خشم خداوند را از خود دور کرده (همان) و موجبات سعادت (همان، ص ۱۸۳) خود را در دنیا و آخرت فراهم می‌آورند (مصلحی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴).

در تبیین روان‌شناختی این یافته می‌توان گفت تقیدات مذهبی در درجه اول، به بهبود روابط و تقویت و تحکم آن در بین زن و شوهر کمک می‌کند، وظایف والدینی را تسریع می‌کند، به والدین کمک می‌کند تا در زمینه روش‌های تربیت فرزند با هم توافق داشته باشند. ضمن اینکه روابط مناسبی با فرزندان خود برقرار نمایند، موجب می‌شود زن و شوهر دیدگاه فلسفی و اهداف مشترکی را در زندگی دنبال کنند. همچنین در مرتبه بعد تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کنند تا اوقات فراغت آنها در پیش خانواده و به همراه خانواده باشد و برنامه‌ریزی مناسبی در این زمینه داشته باشند. در درجه سوم، تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کند تا تفاوت در سلیقه‌های یکدیگر را بپذیرند و با آن سازگار شوند، روابط مناسبی با اقوام و دوستان داشته باشند و صله رحم را در برنامه زندگی خود جای دهند. در درجه چهارم، بتوانند تعارضات بین خود و همسر را به خوبی حل کنند، برای درآمد و هزینه‌های خود برنامه‌ریزی کنند. بالاخره در درجه پنجم، روابط جنسی متقابلاً رضایت‌بخشی داشته باشند (میراحمدی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۶۱).

همچنین براساس نتایج پژوهش روشن شد که همانندی زوجین در پایبندی مذهبی بر سطح رضایت زناشویی تأثیرگذار بوده است که در این زمینه تحقیقات دیگری نیز انجام شده است. نتایج این تحقیقات یکسان بودن زوجین در اعتقادات مذهبی، ایمان و تقوی را به‌عنوان عوامل مؤثر در موفقیت ازدواج‌ها مورد تأیید قرار گرفته است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۶۳). همچنان‌که جین، لارسن و دلسون بیان می‌کنند که توافق در مسائل مذهبی عامل مهمی در پایداری روابط زناشویی به شمار می‌رود (میراحمدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲). همچنین بنی‌اسدی در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که تفاوت در باورهای مذهبی، از عوامل مؤثر در گسستگی پیوند زناشویی است (بنی‌اسدی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۶). حق‌دوست در پژوهشی که انجام داده تفاهم اخلاقی و تشابه در باورهای مذهبی را

یکی از معیارهای مهم همسر ایده‌آل معرفی می‌کند (حق‌دوست و دیگران، ۱۳۷۴). شرکت نیز پس از انجام مطالعات خود به این نتیجه رسید که اختلاف دینی بین اعضای خانواده، موجب بروز مشکلات برای ادامه زندگی زناشویی می‌شود که این مسئله خود منجر به کاهش رضایت‌مندی و افزایش تعارضات و اختلافات زناشویی و نیز طلاق می‌گردد (Sherkat, 2004, p. 621).

منابع

- حق‌دوست، علی‌اکبر و دیگران، «بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر در ازدواج» (۱۳۷۴)، *اندیشه و رفتار*، ش ۳، ص ۲۰-۲۹.
- فاضل، امین‌الله و دیگران، «قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز» (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، سال دوم، ش ۳، ص ۱۳۹-۱۶۲.
- فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق)، *المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، ترجمه و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مصلحی، جواد (۱۳۹۱)، *رابطه همانندی/ تضاد ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی/ برون‌گرایی) و رضایت زناشویی با توجه به پابندی مذهبی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- موسوی، رقیه‌سادات (۱۳۷۴)، *بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان، کارگران شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره و راهنمایی، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- میراحمدی‌زاده، علیرضا و همکاران، «رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز» (۱۳۸۲)، *اندیشه و رفتار*، سال هشتم، ش ۴، ص ۵۶-۶۳.
- نجفی، حسین (۱۳۸۹)، *بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با رضایت زناشویی و صمیمیت زناشویی معلمان دبیرستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، تهران، دانشگاه تهران.
- نظری، علی محمد (۱۳۸۸)، *مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی*، چ دوم، تهران، علم.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵)، *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*، چ دوم، تهران، پیک فرهنگ.
- (۱۳۸۶)، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، سمت.
- Bradbery, T.N. & Fincham, F.D. & Beach, S.R, (2000), Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, v62, p. 967.
- Gruner, L, (1985), The correlation of private, religious devotional practices and marital adjustment. *Journal of Cooperative Family Studies*, v 16, N 1, p. 54.
- Kim, Y.M. & Others, (2004), Spirituality and affect: a function of changes in religious affiliation. *Personality and Individual Differences*, V 37(4).
- Mahoney, A. & Others, (1999), Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, V 13(3), p. 332.
- Mcnulty, K. & Others, (2004), Perceived Uncertainty, Spiritual Well-Being, and Psychosocial Adaptation in Individuals With Multiple Sclerosis. *Rehabilitation Psychology*, V 49(2), p. 91- 99.
- Mullins, L.C., et al, (2001), Marital adjustment and religiosity: A comparison of those under age 65 with those age and older. *Journal of Social Science Research*, v 2, issue 1, p. 68.
- Odell, M, (1998), Congruence desire for change and adjustment during the first year of marriage. *Marriage Fam: Rev*, v 27, p. 93.
- Sherkat, D.E, (2004), Religious intermarriage in the United States: trends, patterns, and predictors. *Rehabilitation Psychology*, V 33(4), p. 606- 625.

احمدی، خدابخش و دیگران، «بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه» (۱۳۸۴)، *طب نظامی*، ش ۷، ص ۱۴۱-۱۵۲.

— «بررسی رابطه تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی» (۱۳۸۵)، *خانواده‌پژوهی*، سال دوم، ش ۵، ص ۵۵-۶۷.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

بنی‌اسدی، حسن (۱۳۷۵)، *بررسی و مقایسه عوامل مؤثر اجتماعی _ فردی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و زوج‌های ناسازگار در شهر کرمان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

پسندیده، عباس (۱۳۸۹)، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، چ دوم، قم، دارالحدیث.

پورغفاری، سیده‌سوگل و دیگران، «بررسی اثربخشی آموزش مؤلفه‌های سبک زندگی مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی فردی بر رضایت زناشویی در بین پرستاران متأهل زن بیمارستان دکتر گنجویان دزفول» (۱۳۸۹)، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۲، ص ۲۷-۴۸.

جان‌بزرگی، مسعود، «ساخت و اعتباریابی آزمون پابندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه» (۱۳۸۸)، *فصلنامه علمی- تخصصی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*، سال سوم، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۵.

جدیری، جعفر (۱۳۸۷)، *بررسی رابطه رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای دینی با ثبات هیجانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

جدیری، جعفر، «ساخت و اعتباریابی مقیاس رضامندی زناشویی اسلامی» (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی و دین*، سال دوم، ش ۸، ص ۴۱-۷۰.

حیدری، مجتبی (۱۳۸۲)، *بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضامندی از زندگی زناشویی در خانواده‌های معلمان مرد شهرستان قم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

خدایاری فرد، محمد و دیگران، «رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل» (۱۳۸۶)، *خانواده‌پژوهی*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۱۱-۶۲۰.

خطیب، سیدمهدی (۱۳۹۰)، *رابطه بین سبک زندگی مذهبی و سلامت روانی با توجه به مؤلفه‌های شخصیتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

روحانی، عباس و داود معنوی‌پور، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه» (۱۳۸۷)، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۸۹-۲۰۶.

سایپنگتون، اندرو (۱۳۷۹)، *بهداشت روانی*، ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی، تهران، روان.

سالاری فر، محمدرضا و دیگران، «مبانی نظری مقیاس‌های دینی» (۱۳۹۰)، در: *گزیده مقالات همایش «مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی»*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سلیمانیان، علی‌اکبر و دیگران، «تعیین اثربخشی مشاوره انگیزشی نظام‌مند گروهی (SMC) بر کاهش آشفتگی زناشویی» (۱۳۸۴)، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال چهارم، ش ۱۶، ص ۳۹-۲۳.

صابری یزدی، علیرضا (۱۳۷۵)، *الحکم الزااهره*، ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی، چ دوم، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.

صیادپور، زهره، «ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج در دانشجویان» (۱۳۸۳)، *روان‌شناسان ایرانی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۴۵-۱۵۷.